

آقلیه ۲۱۲ بلگراد:

# تئاتر تسکین، امید و آزادی

مهرداد خامنه‌ای



Cover Photo: Mira Trailović

آتلیه ۲۱۲ بلگراد:

# تئاتر تسکین، امید و آزادی

مهرداد خامنه‌ای

از فصلنامه «صحنه معاصر»

گروه تئاتر اگزیت

دوره‌ی جدید، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۹



● پنجاه و سه سال از تاریخ شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌های تئاتر پیشرو جهان، «بیتف» می‌گذرد. پنجاه و سه سال پشتیبانی از تئاتر آوانگارد که نماد فرهنگی یک کشور شده است. اهمیت «بیتف» امروز بر دوستداران تئاتر و فرهنگ پویا پوشیده نیست اما در پس این تاریخ درخشان تلاش هنرمندانی نهفته است که در واقع به صورت غیررسمی کار خود را در تئاتر «آتلیه ۲۱۲» در بلگراد، پایتخت کشور سوسیالیستی یوگسلاوی در سال ۱۹۵۴، آغاز کردند.

در دهه هشتاد میلادی «بیتف» نماد کشوری بود که در دوران سخت رکود اقتصادی خود با هنر تئاتر، در واقع هنر مقاومت و ایستادگی خود را در برابر این بحران و ارتباط زنده خود با جهان پیرامون را جلوه می‌داد. بلگراد میزبان هنرمندانی چون اینگمار برگمن<sup>۱</sup> اولگ یفرموف<sup>۲</sup> یوجینیو باریا<sup>۳</sup>، یژی گزاگوژفسکی<sup>۴</sup> و دیگرانی از کشورهای آلمان، ژاپن، اسپانیا، دانمارک، کانادا، آمریکا و به طور خلاصه مینیاتوری از جهان نمایش بود.

## آتلیه ۲۱۲ بلگراد: تئاتر تسکین، امید و آزادی

مهرداد خامنه‌ای

«بیتف» از کجا می‌آید؟ چه کسانی آن را به حرکتی جهانی بدل کردند؟ چطور یک گروه تئاتری آوانگارد فرهنگ رادیکال و آزاد را خارج از چهارچوب‌های رسمی تبدیل به رسمی‌ترین اتفاق فرهنگی کشور خود و جهان کرد؟

### پیش درآمد تاریخی

در ۲۸ ژوئن ۱۹۴۸، «کمینفرم» که در آن سال‌ها تمام احزاب کمونیست و کشورهای سوسیالیستی اروپا را گرد هم آورده بود در بیانیه‌ای حزب کمونیست یوگسلاوی را به دلیل وجود «انگیزه‌های ناسیونالیستی» از درون خود اخراج کرد. این واقعه در تاریخ بعد از جنگ جهانی دوم به جدایی «تیتو و استالین» معروف است که بعدها منجر به تشکیل جنبش غیرمتمدها از طرف تیتو، نهره، نکرومه، سوکارتو و عبدالناصر شد. این جدایی سیاسی کشور



پوستر فستیوال بیتف، ۱۹۸۶

یوگسلاوی از بلوک شرق، در اقتصاد این کشور تأییراتی بسیار منفی گذاشت چرا که تا آن زمان اقتصاد آن به شدت وابسته به روابط با کشورهای بلوک شرق بود. این بحران باعث شد تا رهبران حزب کمونیست یوگسلاوی دست کمک به سوی بلوک غرب و به خصوص ایالات متحده آمریکا دراز کنند که با پاسخ مثبت این کشورها همراه بود و از نظر سیاسی باعث شد تا از آن زمان به بعد یوگسلاوی تبدیل به کشوری سوسیالیستی شود که خارج از سلطه ژوزف استالین و بلوک شرق روابطی حسنه با کشورهای بلوک غرب داشت. بحران سیاسی مابین دو کشور شوروی و یوگسلاوی تا سال ۱۹۵۵ میلادی ادامه یافت و در طول این هشت سال یوگسلاوی با طراحی سیاست اقتصادی جدید خود تحت عنوان «خودگردانی کارگری» و قوام بخشیدن به «تیتوایسم» از نظر سیاسی سعی در دموکراتیزه کردن جامعه و مناسبات حزب حاکم کمونیست با مردم داشت. در این مسیر هنر و فرهنگ تبدیل به نمادهای آزادی اجتماعی در کشور سوسیالیستی یوگسلاوی شدند.

### ظهور آتلیه ۲۱۲

در سال ۱۹۵۶ در آمفی‌تئاتر ساختمان قدیمی تشریه «تیرد» ارگان رسمی حزب کمونیست یوگسلاوی در شهر بلگراد که ۲۱۲ صندلی داشت تئاتری متولد شد که با تمام معیارهای رسمی تئاترهای آن دوره و نه فقط در یوگسلاوی بلکه در کل اروپای شرقی متفاوت بود. گروهی از بهترین هنرمندان تئاتر بلگراد تصمیم گرفتند که با نگاهی انتقادی به مسائل روز اجتماع و با زیبایی تند و به دور از هرگونه خود سانسوری از حصار

۱	Ingmar Bergman
۲	Oleg Yefremov
۳	Eugenio Barba
۴	Ježi Gžegoževsk

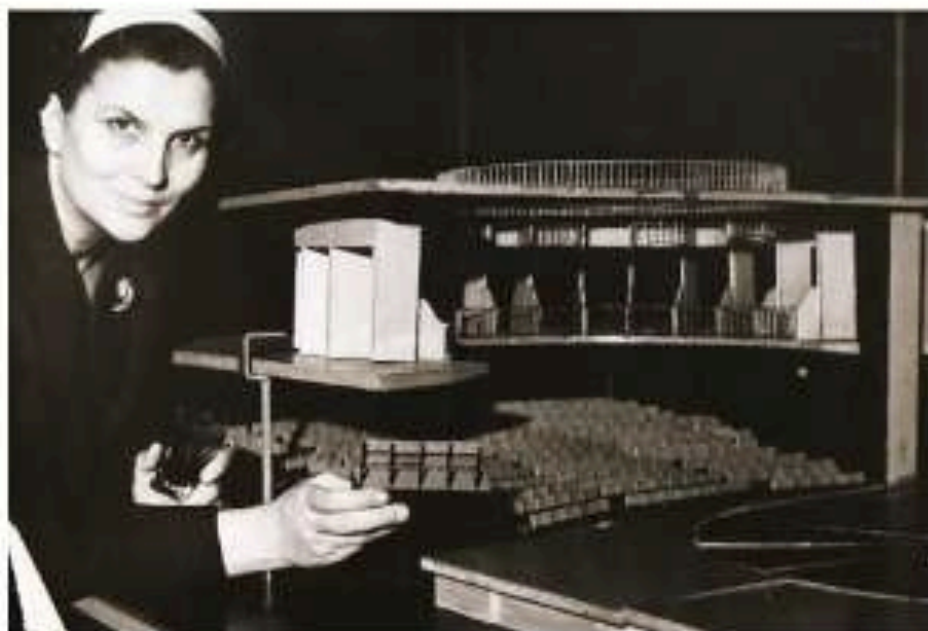
محدودیت‌های پیشین فراتر روند. آتلیه ۲۱۲ قصد داشت تا از «همه چیز» با مردم صحبت کند و این «همه چیز» در بسیاری مواقع تا آن زمان ممنوع بود. اما گردانندگان این تئاتر با مهارتی شگفت‌انگیز موفق شدند که صدای خود را از شکاف روزه‌های این دیوار و با وجود تمام ممنوعیت‌ها به گوش مردم برسانند و فراتر از آن خود را چنان در فضای فرهنگی کشور تثبیت کنند که با پشتیبانی مردم دست سانسور را از آثار خود کوتاه کنند.

در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۵۶ «فاوست» یوهان ولفگانگ گوته را با برداشتی مدرن به کارگردانی میرا ترایلوویچ<sup>۱</sup> - که معروف به «باتوی بولدوزر با کت پوست» بود- به روی صحنه آوردند.

او فارغ‌التحصیل رشته کارگردانی از دانشکده هنرهای دراماتیک بلگراد، مسئول برنامه‌های درام رادیو بلگراد و یکی از گویندگان آن از نسلی بود که طعم تلخ جنگ را چشیده بودند، ترس از حمله نظامی نیروهای پیمان ورشو به کشورشان را حس کرده بودند و باور داشتند که تنها با آزادی می‌توان به سوی آینده‌ای بهتر حرکت کرد. هنرمندان نسل او به صلح و آزادی بیان اعتقاد داشتند و میرا ترایلوویچ نمادی حقیقی از این خواسته‌ها بود که بیش از سی نمایش را کارگردانی کرد و روح جهانی آزاد را در کارهایش برای مردم به نمایش گذاشت. او کارگردانی به تمام معنا آوانگارد بود که خود به شدت از به کارگیری کلمه «آوانگارد» گریزان بود.



آتلیه ۲۱۲



میرا ترایلوویچ

وقتی اوژن یونسکو از بلگراه دیدن کرد از او پرسیدند که در این شهر چه چیزهایی را دیده است و او در جواب گفت: میرا ترایلوویچ را دیدم. آیا این خود کافی نیست؟

موفقیت چشمگیر اولین اجرا موجب شد تا در همین سال برای اولین بار در یک کشور سوسیالیستی «در انتظار گودو» ساموئل بکت<sup>۲</sup> را به اجرا درآورند. نمایشی که اجرای آن در کشورهای سوسیالیستی و از جمله در یوگسلاوی تا آن زمان ممنوع بود. در واقع با اجرای موفق این نمایش بود که آتلیه ۲۱۲ سنگ‌بنای نوع نگاه خود را در ساختار تئاتر کشور تثبیت کرد.

دست‌اندرکاران این تئاتر بر آن بودند که این نهاد همچون دیگر تئاترهای رسمی، ساختار مشخصی نداشته باشد و رپرتوار آن مجموعه‌ای از آثار کلاسیک و مدرن از نمایشنامه‌نویسان خارجی و داخلی را در برگیرد. از همین رو گرچه اجرای آثار کلاسیک با نگاهی مدرن جای کمتری نسبت به دیگر آثار مدرن در آنبوه اجراهای آتلیه ۲۱۲ دارد اما به خوبی سیاست کلی آن را در طول شصت و چهار سال گذشته نشان می‌دهد.

آن چه که در رپرتوار آتلیه ۲۱۲ برای رشد تئاتر کشور حائز اهمیتی به سزا بود امکان اجرای آثار نویسندگان داخلی در آن بود. نویسندگانی که برای اولین بار کار خود را در این تئاتر در معرض دید عموم گذاشتند و بسیاری از آنها از همین نقطه‌ی شروع، تبدیل به غول‌های ادبیات نمایشی کشور شدند. همین نوع برخورد آتلیه ۲۱۲ یعنی میزان بالای ریسک‌پذیری، یکی از

۱  
Eugène Ionesco

۲  
Samuel Beckett



ATELJE 212

Nikola Kalmeta



Ružica Stefan Sabljic

# LAŽLJIVICA

Igorji:

Gerica Popovic | Jelisaveta Seka Sabljic

Addiko Bank

پوستر نمایش دروغگو اثر نیکولای کولیاذا، به کارگردانی استفان سابلیچ

شاخصه‌های مهم کار آن بود. این ریسک‌پذیری را فقط در جدال با سانسور نمی‌بینیم بلکه به وجود آوردن امکان مطرح شدن و رشد هنرمندان، نمود دیگری از تئاتر آوانگارد بود.

یکی دیگر از نکات مهم در دمیدن روحی تازه به فضای تئاتری، آنسامبل سال‌ها آنسامبل ثابت نداشت و از بهترین هنرپیشگان شهر بلگراد که وقت آزاد داشتند استفاده می‌کرد. با این سیستم باعث می‌شد تا مخاطبان تئاتر با نمایش‌هایی روبرو شوند که در اکثر موارد بهترین بازیگران تئاتر شهرشان را در یک جا گرد هم می‌آورد و آنسامبلی فراموش نشدنی جلوی چشمان آنها به هنرنمایی می‌پرداخت.

از میان آثار خارجی که در سال‌های اول تاسیس آتلیه ۲۱۲ برای اولین بار در کشور یوگسلاوی به روی صحنه

رفتند می‌توان از: «چه کسی از ویرجینیا ولف می‌ترسد» ادوارد البی<sup>۱</sup> «معشوق» هارولد پینتر<sup>۲</sup> و آثار نویسندگانی دیگر چون ژان ژنه، آندره ژید، میخائیل بولگاکوف، سارتر، فاکتر، یونسکو، کامو، آداموف، جویس، تی.اس.الیوت نام برد.

اما در سال ۱۹۶۸ بود که نمایش موزیکال «مو» اثر جرومی راگنی<sup>۳</sup> و جیمز رادو<sup>۴</sup> تنها یک سال پس از اجرای آن در برادوی برای اولین بار در یک کشور سوسیالیستی در آتلیه ۲۱۲ به روی صحنه رفت و این تنها چهارمین اجرای نمایش موزیکال «مو» در جهان بود. بار دیگر صدای هنرمندان این تئاتر در سرتاسر اروپای شرقی طنین افکند و آن طور که میرا ترایلوویچ گفت: در لحظاتی معدود اتفاق می‌افتد که تئاتر جلوتر از زندگی است.

از نمایشنامه‌نویسان داخلی آتلیه ۲۱۲ که خود از ستون‌های اصلی تئاتر ملی

۱ Edward Albee

۲ Harold Pinter

۳ Gerome Ragni

۴ James Rado

Jovan Ćirilov

Borilsav

Mihajlović Mihiz

Borka Pavićević

Danilo Kiš

کشورشان شدند می‌بایست از نام‌هایی چون: یووان چیریلو<sup>۱</sup>، بوریسلاو میخایلوویچ میخیز<sup>۲</sup>، بورکا پاوچیویچ<sup>۳</sup>، دانیلو کیش<sup>۴</sup> نام برد.

آتلیه ۲۱۲ در طول شصت و چهار سال کار خود تنها محل اجرای آثار جدید نمایش‌نامه‌نویسان داخلی نبود بلکه به همان اندازه فضایی خلاقانه و به دور از چهارچوب‌های رسمی برای کارگردانان تئاتر نیز بود. بسیاری از کارگردانان، ایده‌های نو و گاه تجربی خود را در فضای آتلیه ۲۱۲ به مرحله اجرا می‌آوردند و در این میان روح آزاد و پرانرژی تئاتر را به مخاطبان خود ارزانی می‌داشتند و مورد استقبال قرار می‌گرفتند.

آتلیه ۲۱۲ زبان تمایش را بر روی صحنه خود تغییر داد. تا آن زمان بر روی صحنه‌های تئاتر زبانی استاندارد و به اصطلاح «تمیز» استفاده می‌شد و از ناسزا کمتر استفاده می‌شد. در نمایش‌های آتلیه ۲۱۲ زبان نمایش به زبان مردم کوچه و خیابان نزدیک شد، آنها هیچ ابایی از استفاده از فحش‌هایی که مردم به طور هر روزه از آنها استفاده می‌کنند نداشتند و صحنه‌ی این تئاتر صحنه‌ی زندگی واقعی مردم بود، بدون سانسور و تمیزکاری دروغین. بازیگران بر روی صحنه آتلیه ۲۱۲ از آزادی کامل هنری برخوردار بودند و این فضای آزاد آنها را شیفته کار در این تئاتر می‌کرد.

### افسانه قهوه‌خانه آتلیه ۲۱۲

در کنار کار هنری و اجرای نمایش‌ها، آتلیه ۲۱۲ رابطه‌ای متفاوت با مردم برقرار می‌کرد. در کنار ساختمان این تئاتر قهوه‌خانه‌ای بود که پاتوق هنرمندان و کارکنان این مجموعه بود. مردم می‌توانستند هنرمندان خود را در این قهوه‌خانه ملاقات کنند و با آنها از نزدیک به بحث و گفتگو بنشینند. افسانه قهوه‌خانه آتلیه ۲۱۲ از آنجا نشأت می‌گیرد که بسیار مرسوم بود پس از هر اجرا بازیگران به همراه کارگردان و بقیه دست‌اندرکاران نمایش به همان قهوه‌خانه بروند و مردم به دنبال آنها تا پاسی از شب به گفتگو می‌نشستند. قهوه‌خانه مذکور ساعت کار نداشت و تا زمانی



پوستر نمایش دروغگو اثر نیکولای گولیادا، به کارگردانی استفان سابلیچ





قهوه‌خانه آتلیه ۲۱۲

که همه آنجا را ترک نکنند در خود را به روی همگان باز می‌گذاشت. در این محیط صمیمانه بود که ارتباط هنرمندان با مردم به نوعی دیگر برقرار می‌شد و ایده‌های آنها همچون شبی دهان به دهان در سطح شهر پخش می‌شد و فراتر می‌رفت.

با مجموع این اندیشه‌های پیشرو و تجربیات عملی بود که میرا ترایلوویچ و یووان چیریلوو پس از دوازده سال فعالیت

مستمر در آتلیه ۲۱۲ در سال ۱۹۶۷ فستیوال جهانی تئاتر بلگراد «بیتف» را بنیان نهادند تا ایده تسکین، امید و آزادی را از ۲۱۲ صندلی تئاتر کوچک خود در شهر بلگراد به تمام جهان نمایش گسترش دهند و تا امروز این فستیوال یکی از بزرگ‌ترین گردهمایی‌های تئاتر جهان در اروپا است که پیوندی غنی بین تئاتر آوانگارد و فرم‌های کلاسیک آن به وجود آورده است. امروز افسانه آتلیه ۲۱۲ بلگراد به صورت کاملاً واقعی در راستای همان ایده‌های اولیه همچنان ادامه دارد و آن را زنده نگاه داشته است.

امروز درهای آتلیه ۲۱۲ با وجود ۳۴ عضو آنسامبل دائمی، همچنان بر روی بازیگران و کارگردانان دیگر تئاترها باز است و نام دیگر آن همچنان از سال‌های شصت میلادی در

بین مردم، تئاتر تسکین، امید و آزادی باقی مانده است. ■



تمبر یادبود میرا ترایلوویچ



تجدید  
تجدید